



مدیریت پایداری در اقتصاد مشارکتی

شبنم پاشائی، دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت فناوری اطلاعات، گرایش کسب و کار الکترونیک، دانشگاه الزهرا

دکتر لیلا شریفی، استادیار دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر و فناوری های نوین، دانشگاه ارومیه

دکتر بابک قالب ساز جدی، استادیار دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر و فناوری های نوین، دانشگاه ارومیه

چکیده

اقتصاد مشارکتی یا در عنوانی مشهورتر مصرف مشارکتی یک مفهوم و ایده اقتصادی است قائم بر این تصور که اکثر مردم تمایل دارند به جای خرید و تملک کالاهای مصرفی آنها را قرض بگیرند. به نظر می رسد اقتصاد مشارکتی قابلیت همسویی با اهداف یک سیستم پایدار را دارد. در این مقاله با تحلیل الگوی مبادله در اقتصاد مشارکتی و میزان همسویی آن با دو شاخص پایداری اقتصاد زیست محیطی به بررسی ابعاد مختلف مدیریت پایداری در اقتصاد مشارکتی می پردازیم. همچنین تاثیر مدل اقتصاد مشارکتی بر پایداری را مورد ارزیابی قرار می دهیم. بدین منظور ابعاد اقتصادی و زیست محیطی اقتصاد مشارکتی را با استفاده از تحلیل سوات جهت مشخص نمودن نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها و تهدیدها تحلیل می کنیم.

کلیدواژه ها: اقتصاد مشارکتی، مصرف مشارکتی، مدیریت پایداری، به اشتراک گذاری، مبادلات مبتنی بر انبوه جمعیت.

1- مقدمه

امروزه علاقه به پدیده اقتصاد مشارکتی در حال افزایش است. پلتفرم های اقتصاد مشارکتی مبتنی بر فن آوری های دیجیتالی می باشند که اجازه می دهد افراد، شرکت ها، دولت، سازمان های غیردولتی در تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات مشارکت کنند. این امر به طور بالقوه منجر به افزایش اشتغال، بهره وری اقتصادی، دسترسی به دارایی های باارزش، افزایش روابط اجتماعی، دسترسی مؤثر و کم هزینه به منابع زیرزمینی خواهد شد که باعث ایجاد کسب و کار و الگوهای مصرف پایدار می شود (Grinevich, 2017). به نظر برخی از کارشناسان، اقتصاد مشارکتی بزرگترین صنعت از نظر درآمدزایی است، به طوری که رشد آن تغییرات اجتماعی و اقتصادی زیادی را به دنبال داشته و خواهد داشت. توسعه این صنعت برای کشورهای در حال توسعه که با معضلاتی چون



نرخ بیکاری بالا، محدودیت منابع ارزی و اقتصاد تک محصولی (عمدتاً وابسته به یک محصول خاص مانند نفت) مواجهه‌اند، از اهمیت بالایی برخوردار است. از طرف دیگر اقتصاد مشارکتی می‌تواند به‌عنوان یک صنعت اقتصادی توانمند تأثیر بسیار زیادی بر تولید ملی و اشتغال کشور در سال‌های آتی داشته باشد. از آن جهت که در کشور ما کاهش تولید ملی و در پی آن افزایش بیکاری به‌عنوان اصلی‌ترین مشکل اقتصادی کشور مطرح است، بنابراین امروزه صنعت اشتراک‌گذاری به‌صورت جدی مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور قرار گرفته و پایداری مبادلات اشتراک‌گذاری کشور در حال تبدیل شدن به یک خواست ملی و همگانی است (پرهیزکار، 1393).

مبادلات مبتنی بر اشتراک‌گذاری انواع متنوعی از جمله اشتراک‌گذاری خودرو¹، اقامت²، نیروی کار³، کسب‌وکارهای فردی⁴، خدمات قانونی و منابع انسانی⁵، حمل‌ونقل⁶، تدارکات⁷ و غیره را شامل می‌شود.

اشکال مختلف اشتراک‌گذاری به شرح زیر می‌باشند (Grinevich, 2017):

- 1- اقتصاد مشارکتی خالص به‌عنوان یکپارچه‌سازی دستگاه‌های عامل نظیر به‌نظیر برای تسهیل موقت، پرداخت و دسترسی به دارایی‌های فیزیکی مطرح می‌شود.
- 2- اقتصاد دست‌دوم به‌عنوان بازار تسهیل انتقال مالکیت از جمله فروش کالای دست‌دوم، هدیه، مبادله و فعالیت‌های تبادلی که منجر به حداقل شدن زباله‌ها خواهد شد.
- 3- اقتصاد مبتنی بر تقاضا⁸ از جمله بازارهایی است که دسترسی به دارایی‌های نامشهود افراد مانند (زمان و انواع مختلف مهارت‌ها) را آسان می‌کند.
- 4- سیستم‌های سرویس محصول به مشتری یعنی برای منافع حاصل از محصول پول می‌پردازید بدون آنکه نیاز داشته باشید تا مالک آن شوید، برای چیزهایی که رفت زمان بی‌کار زیادی دارند.

¹ Zip Car

² Air Bnb

³ Task Rabbit

⁴ Etsy, Ebay

⁵ Upcounsel Recruitloop

⁶ Blablacar, Uber

⁷ Deliv

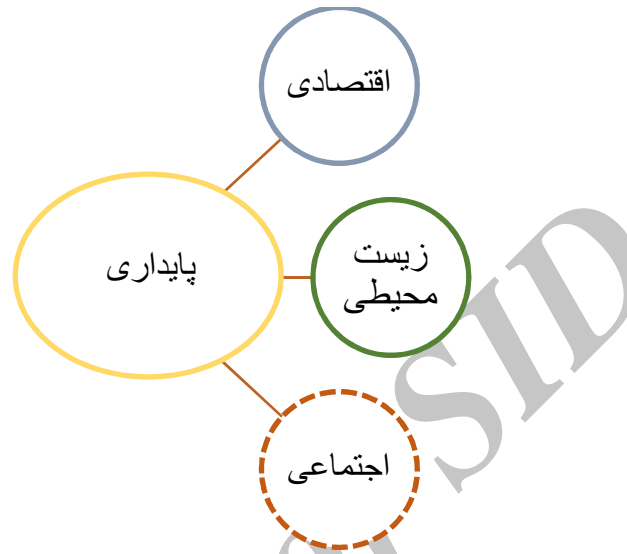
⁸ On-demand



پایداری و اهمیت آن در دنیای امروز: رویکرد پایداری به معنی حرکت بر محور انسان-محیط است (مزینی، 2016). این رویکرد توسعه امکانات اقتصادی با توجه به ملاحظات محیطی و عدالت اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد. در این چارچوب، پایداری برآمده از فرایند توسعه‌ای است که امکان ارتقای همیشگی سلامت اجتماعی-اقتصادی را فراهم کرده و این ذهنیت و امکان را به عینیت و اقدام مبدل می‌سازد. در این مسیر سیاست‌هایی چون کاهش اتکا به خودروی شخصی، حفاظت و احیای نظام‌های طبیعی، کاهش مصرف منابع غیرقابل تجدید و تولید آلودگی، بهبود زیست‌پذیری اجتماعات بشری، اصلاح نظام اداری با هدف دسترسی به پایداری بیش‌تر در دستور کار قرار می‌گیرد.

فرایند پایداری جریان چندبعدی است که ضمن بهبود وضعیت اقتصادی و ایجاد رفاه همگانی، توأم با عدالت اجتماعی، از آثار مخرب زیست‌محیطی و اکولوژی و ناهنجاری‌های اجتماعی به دور بوده و هم‌زمان که نیازهای نسل حاضر را برآورده می‌سازد، ظرفیت و امکان فراورده سازی نیازهای نسل آینده را در نظر دارد (پرهیزکار، 1390). آنچه در مبانی نظری پایداری محیط‌زیست مطرح می‌شود آن است که فرایند اشتراک‌گذاری مبادلات اقتصادی با کم‌ترین پسماند و بیش‌ترین پایداری منابع صورت گیرد. اقتصاد مشارکتی به استفاده کارآمد از منابع و کاهش نیاز به خرید کالاهای فیزیکی بیشتر منجر می‌شود که در نتیجه آن تولید فیزیکی را کاهش داده و تأثیرات منفی بر محیط‌زیست را به حداقل می‌رساند. بنابراین کیفیت محیط‌زیست به‌عنوان یکی از خدمات موجود در سبد مصرفی شهروندان قرار می‌گیرد که از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

همان‌گونه که در شکل (1) نشان داده شده است، پایداری از سه جنبه: 1- اقتصادی 2- زیست‌محیطی و 3- اجتماعی موردبررسی قرار می‌گیرد. که در این تحقیق ما به بررسی دو جنبه اقتصادی و زیست‌محیطی می‌پردازیم.



شکل 1- جنبه‌های مختلف پایداری

نقش اقتصاد مشارکتی بر پایداری اقتصاد: گسترش تجارت مبتنی بر اینترنت سبب افزایش رقابت شده و چالش‌های بیش‌تری به وجود آورده است. از این‌رو صاحبان کسب‌وکار تلاش می‌کنند به کمک رویکردهای جدید، از رقبا پیشی گرفته و به موفقیت‌های بیشتر دست یابند. رویکردهای جدید کسب‌وکار اغلب با وجود جذابیت، می‌توانند ریسک‌های بیش‌تری را با خود به همراه داشته باشند، بنابراین باید راهکارهایی جهت هر چه پایدارتر نمودن اقتصادی مبادلات مبتنی بر اشتراک‌گذاری اتخاذ نمود. از جمله این راهکارها ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، خلق درآمد و ارزش‌افزوده، بهبود سازوکار مالیات ستانی، کاهش جرائم اقتصادی، سرمایه‌گذاری برای پروژه‌های نوآور و غیره است.

نقش اقتصاد مشارکتی بر پایداری محیط‌زیست: با افزایش جمعیت میزان مصرف مواد اولیه، وسایل نقلیه، مصرف انرژی و امثال آن افزایش یافته که نتیجه‌ی آن افزایش آلودگی‌های محیطی است. آلودگی زیست‌محیطی نیز مانعی در تحقق پایداری است. لذا باید تبعات منفی حاصل از آن کاهش داده شود. در این میان بهره‌گیری از قابلیت‌های اقتصاد مشارکتی نقش مهمی در کاهش این تبعات منفی دارد. کیفیت اشتراک‌گذاری نیز یک الزام کلیدی برای پایداری مدل‌های به اشتراک‌گذاری است. برای پایداری مدل‌های به اشتراک‌گذاری دو شرط بهینه‌سازی حمل‌ونقل کالاها و شیوه‌های مصرف آن‌ها لازم است که به نظر می‌رسد باعث ماندگاری و مصرف کمتر خواهد شد. مدل‌هایی که مبتنی بر ارائه کالا و خدمات هستند از نظر محیط‌زیست سودمنداند، در حالی که



مدل‌های فعلی اقتصاد همیشه شرایط لازم را برای پایداری برآورده نمی‌کنند. افزایش طول مدت استفاده از محصولات و اطمینان از استفاده کامل از آنها یک‌راه حل مؤثر برای کاهش مصرف بسیاری از منابع انرژی خواهد بود (Demaily, 2014).

پژوهش حاضر دارای سه بعد اصلی است:

بعد اول: موضوع مدیریت پایداری، بعد دوم: جایگاه مبادلات مبتنی بر اشتراک‌گذاری در نظام مدیریت پایداری، و بعد سوم: مدیریت پایداری در اقتصاد مشارکتی با رویکرد زیست‌محیطی و اقتصادی است.

پرسش‌های بررسی‌شده در این پژوهش به شرح زیر است:

1- آیا با استفاده از مبادلات مبتنی بر اشتراک‌گذاری از منابع استفاده بهینه خواهد شد یا مدل تولید فرق خواهد کرد؟

2- آیا استفاده از الگوی اقتصاد مشارکتی در راستای اهداف پایداری حرکت می‌کند؟

3- مدیریت پایداری تا چه حد می‌تواند موجب دستیابی به اهداف مبادلات مبتنی بر اشتراک‌گذاری گردد؟

در این پژوهش برای پاسخ به سوالات مطرح شده، در بررسی مدیریت پایداری، دو فرضیه‌ی نفرین منابع و منحنی زیست‌محیطی کوزنتس مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سپس تاثیر متقابل مدیریت پایداری و اقتصاد مشارکتی بحث می‌شود. نهایتاً مدیریت پایداری در اقتصاد مشارکتی از دیدگاه دو مؤلفه زیست‌محیطی و اقتصادی مطرح شده که بر اساس تحلیل سوات، پایداری این نوع از مبادلات را مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

2- مدیریت پایداری

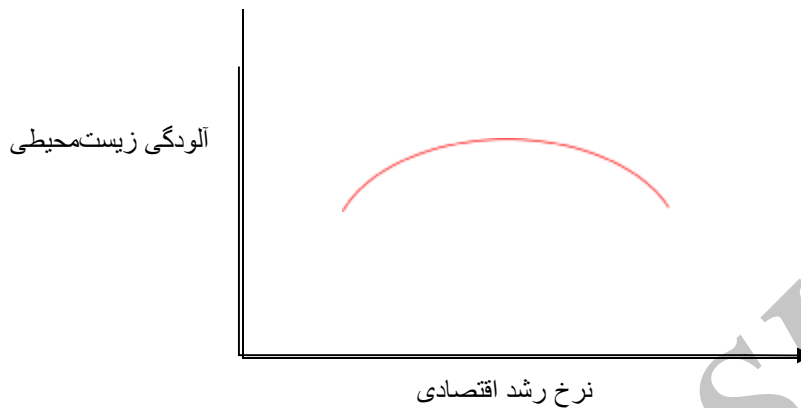
در سال‌های اخیر در مبانی نظری اقتصاد، بحث پایداری فعالیت‌های اقتصادی از اهمیت به‌سزایی برخوردار شده و عملاً در طیف وسیعی از حوزه‌های اقتصادی و تحلیل‌های مترتب بر آنها قابل‌مشاهده است. این موضوع در کشورهای متکی بر منابع طبیعی به‌صورت محسوسی جلب‌توجه نموده است. در این مورد، در متون اقتصادی دو رویکرد نظری بارز، فرضیه نفرین منابع (Papyrakis, 2004) و فرضیه منحنی زیست‌محیطی کوزنتس (Samreth, 2010) مشاهده می‌شود. این دو نظریه هر یک به تبیین واقعیت‌های حاکم بر فرایند رشد و توسعه اقتصادی کشورها می‌پردازند. به‌ویژه اقتصادهای وابسته به منابع طبیعی که بحث پایداری، هر چه بیش‌تر در آنها مصداق می‌یابد.



فرضیه نفرین منابع اثر موهبت منابع طبیعی بر رشد اقتصادی را تجزیه و تحلیل می کند، بدین ترتیب که برای رسیدن به رشد اقتصادی، منابع طبیعی از میان می روند. به عبارت دیگر رشد اقتصادی پایین تر کشورهایی با منابع طبیعی گسترده نسبت به سایر کشورها تناقضی است که بلای منابع، نفرین منابع یا به تناقض فراوانی شهرت دارد. این فرضیه به طور کلی به این موضوع می پردازد که ثروت منابع طبیعی به تضعیف کیفیت ساختارهای اقتصادی و سیاسی منجر می شود. در نتیجه موجب اختلال در تخصیص منابع، کاهش فعالیت های مولد، کاهش کارایی اقتصادی، افزایش نابرابری های اجتماعی و در نهایت کاهش رشد اقتصادی می شود.

این پدیده بر اثر عوامل مختلف ممکن است به وجود بیاید از جمله کاهش قدرت رقابتی در سایر بخش های اقتصادی، فرار سرمایه از بخش منابع طبیعی، عدم مدیریت دولت یا بر اثر فساد سیاسی. از طرفی پیامدهای منفی آن شامل: نزاع (بروز مناقشات در بین جوامع بر سر منابع طبیعی)، مالیات (در کشورهای فاقد منابع طبیعی دولت مخارجش را از محل مالیات شهروندان تأمین می کند در حالی که در کشورهای سرشار از منابع طبیعی، دولت که منابع مطمئنی برای مخارجش دارد خود را بی نیاز از شهروندان می یابد بنابراین فساد و سرکوب و بدرفتاری رواج می یابد) و غیره است (عرب مازار، ۱۳۸۹).

بیان ساده فرضیه منحنی زیست محیطی کوزنتس این است که بین برخی از شاخص های آلودگی زیست محیطی و یکی از شاخص های رشد اقتصادی (معمولاً سطح درآمد سرانه) رابطه ای به شکل U وارونه وجود دارد (شکل ۲). به عبارت دیگر با افزایش توان اقتصادی جامعه، در ابتدا مقدار تخریب زیست محیطی افزایش می یابد، اما سرانجام پس از رسیدن به سطح حداکثر آلودگی، به دلایل مختلف از جمله آگاهی جامعه نسبت به تخریب محیط و یا حرکت به سمت خدماتی تر شدن اقتصاد، روند نزولی منحنی آغاز می شود. در واقع مشکلات زیست محیطی پدیده ای موقت است، چراکه رشد اقتصادی و نوآوری های فناورانه این مشکلات را به مرور زمان مرتفع می کنند. علت پنهان پشت فرضیه زیست منحنی کوزنتس بدین گونه است که با غنی تر شدن کشورها یا مناطق، شهروندان تقاضای بیشتری را به جنبه های غیر اقتصادی شرایط زندگی خود می کنند. به عبارت دیگر، نگرش اولیه در خصوص رابطه رشد اقتصادی و آلودگی این بوده است که رشد اقتصادی به خودی خود، اکسیری برای رفع آلودگی محیط زیست است (مزینی، ۲۰۱۶).



شکل 2- منحنی زیست محیطی کوزنتس

برخی از طرفداران تجارت، نه تنها با این دیدگاه که تجارت موجب تخریب محیط زیست می شود، مخالف هستند، بلکه تجارت را در بهبود وضعیت محیط زیست موثر می دانند. طبق استدلال این افراد، با توجه به واکنش کشورها به فشارهای رقابتی ناشی از گسترش تجارت و دسترسی به مزیت نسبی، استفاده از منابع، کارا می شود و بدین ترتیب، ائتلاف منابع و انرژی و آلاینده‌گی مربوط به آثار این نوع مبادلات کاهش می یابد. بنابراین رشد اقتصادی حاصل از مبادلات مبتنی بر اقتصاد مشارکتی می تواند به جای اینکه تهدیدی برای محیط زیست باشد، به ابزاری برای بهبود کیفیت محیط زیست تبدیل می شود و باعث استفاده بهینه از منابع خواهد شد.

3- جایگاه مبادلات مبتنی بر اشتراک گذاری در نظام مدیریت پایدار

به دلیل افزایش جمعیت جهان و محدود بودن منابع مشترک، در دهه‌ی اول قرن بیست و یکم پدیده اقتصاد مشارکتی مطرح شد که از انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی نشات می گیرد. بنابراین اقتصاد مشارکتی به الگوهایی اشاره دارد که کالا و خدمات را بدون واسطه در اختیار مصرف کنندگان قرار می دهد که در عصر فناوری‌های جدید با دسترسی آسان به اینترنت آغاز شده است. در واقع اقتصاد مشارکتی یک اصطلاح است که بحث‌های مداوم در زمینه‌ی سازوکارها و مدل‌های تحت پوشش آن وجود دارد. اقتصاد مشارکتی بیشتر فعالیت‌های تجاری را پوشش می دهد و هدف آن دسترسی راحت به منابع غیرفعال است که این عملکرد توسط سیستم‌های دیجیتال تسهیل می شود.



مصرف پایدار نیز از جمله مسائل پراهمیت در اقتصاد مشارکتی است که با مدیریت منطقی منابع محدود و روش‌های جایگزین استفاده از آن، قابل دستیابی است. بنابراین مشکل مصرف پایدار توجه بیشتری را به خود جلب می‌کند تا با افزایش شیوع مصرف پایدار، توانایی گسترده‌ای برای ایجاد مدل‌های تجاری جدید بر اساس قوانین ارائه شود. تمرکز بر استفاده کم از منابع، پایه‌ای برای منطق سبز در اقتصاد مشارکتی است که اغلب استدلال می‌شود اقتصاد مشارکتی دارای توانایی لازم برای تسهیل و بازسازی الگوهای پایدار کسب‌وکار و مصرف است. در واقع منطق سبز به‌عنوان یک منطق نوظهور در اقتصاد مشارکتی است که به ارزش‌ها، انتظارات و هویت جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی اقتصاد مشارکتی مربوط می‌شود.

سه مزیت زیست‌محیطی اقتصاد مشارکتی که مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از: 1- با استفاده کم‌تر از منابع، اقتصاد مشارکتی می‌تواند منجر به بهره‌وری بالاتر منابع و کاهش نیاز برای خرید کالاهای فیزیکی بیشتر شود که در نتیجه تولید فیزیکی را کم کرده و تأثیرات منفی بر محیط‌زیست را کاهش می‌دهد. 2- اقتصاد مشارکتی می‌تواند منجر به کاهش حمل‌ونقل کالاهای فیزیکی شود. 3- اقتصاد مشارکتی می‌تواند آگاهی فرهنگی در مورد ابعاد زیست‌محیطی مصرف را افزایش دهد و بنابراین الگوهای مصرف پایدار را تسهیل کند (Tłuczak, 2017). با وجود این مزایا در پاسخ به این سؤال که آیا استفاده از الگوی اقتصاد مشارکتی در راستای اهداف پایداری حرکت می‌کند، مشخص است که الگوی اقتصاد مشارکتی در راستای مدیریت پایداری است.

4- جایگاه مدیریت پایداری در اقتصاد مشارکتی

واژه‌ی Sustain به معنی پایدار است. مفهوم مدیریت پایداری، مسائل محیطی، اجتماعی و اقتصادی را به هم پیوند می‌دهد. در واقع پایداری فرآیندی است برای به دست آوردن آینده‌ای مطلوب برای جوامع بشری که در آن شرایط زندگی و استفاده از منابع، بدون آسیب رساندن به یکپارچگی، زیبایی و ثبات نظام‌های حیاتی، نیازهای انسان را برطرف می‌سازد.

مدیریت پایداری راه‌حلی را برای الگوهای فانی ساختاری، اجتماعی و اقتصادی ارائه می‌دهد تا بتواند از بروز مسائلی همچون نابودی منابع، تخریب سامانه‌های زیستی، آلودگی، تغییرات آب‌وهوایی، بی‌عدالتی و پایین آمدن



کیفیت زندگی انسان‌های حال و آینده جلوگیری کند. در واقع مدیریت پایداری باعث دستیابی به اهداف مبادلات مبتنی بر اشتراک‌گذاری شده است.

اقتصاد مشارکتی نیز یک زیست‌بوم اقتصادی-اجتماعی است که حول به اشتراک‌گذاری منابع انسانی و فیزیکی شکل می‌گیرد. این اقتصاد فعلاً در دوران ابتدایی خود به سر می‌برد و بیشتر با مجموعه‌ای از کسب‌وکارهای نوپا و خدماتی که تبادل نظیر به نظیر بین افراد را توسط تکنولوژی فراهم می‌کند سروکار دارد، بنابراین لازم است برای ادامه‌ی حیات شرط لازم پایداری را مدنظر داشته باشد. اقتصاد مشارکتی می‌تواند با لحاظ کردن پیامدهای بلندمدت، آینده‌نگری یک سیستم اقتصادی پایدار و باثبات را عرضه دارد. چراکه تفکر سیستمی و نیاز به یک روش سیستماتیک برای تغییر، اساس موفقیت اقتصاد مشارکتی است.

این مطالب پاسخ به سؤال "مدیریت پایداری تا چه حد می‌تواند موجب دستیابی به اهداف مبادلات مبتنی بر اشتراک‌گذاری گردد؟" را روشن کرده است. زیرا اقتصاد مشارکتی ضمن این که برای حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی بسیار مفید است، می‌تواند در افزایش میزان مشارکت مردم در انجام کارهای گروهی و نیز ارتقای سطح اعتماد عمومی موثر باشد. در واقع تاثیر آن نگرش اساسی است که می‌گوید منابع، خصوصاً منابع طبیعی محدود است و ضمن اینکه متعلق به همه مردم و حتی نسل‌های آینده هم است و همه‌ی مردم خود را متعهد به حفظ و حراست از آن‌ها می‌دانند. ما امروزه نیاز داریم که روش‌های تولید و مصرف را تغییر دهیم. حتی ممکن است در کل سطوح زندگی تغییرات بنیادین، لازم و ضروری باشد. زیرا که محیط زیست پایدار را بیش از حد تحت فشار قرار داده‌ایم.

5- تحلیل سوات⁹

تحلیل سوات برای تحلیل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها بکار می‌رود. این چارچوب تحلیلی عوامل مؤثر داخلی و خارجی را شناسایی می‌کند. تحلیل سوات معمولاً در طول برنامه‌ریزی استراتژیک مورد استفاده قرار می‌گیرد و پیش‌درآمدی است برای تمامی اقدامات از جمله نوآوری‌های تازه، تصمیم‌گیری درباره‌ی سیاست‌های جدید، شناسایی حوزه‌هایی که به تغییر یا اصلاح نیاز دارند. از این‌رو در این پژوهش از تحلیل سوات در قالب جدول 1 استفاده شده است.

⁹ Strengths, Weaknesses, Opportunities, Threats (SWOT)



جدول 1- تحلیل سوات برای پایداری اقتصاد مشارکتی

مؤلفه	اقتصادی	زیست محیطی
نقاط قوت	<ul style="list-style-type: none"> - نوآوری دیجیتالی - تمرکز دایی اقتصاد - توانمندسازی فردی - افزایش درآمد جهانی - ارتقای خدمات عمومی: مثال حمل و نقل - استفاده بهتر از دارایی های بلا استفاده - کاهش هزینه های دسترسی به محصولات و خدمات - ایجاد فرصت ها شغلی جدید 	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش آلودگی هوا و تولید گازهای گلخانه ای - محیط زیست پایدار - ترویج به اشتراک گذاری امکانات شخصی از طریق بستر سازی مناسب - توزیع مجدد و متعادل تر منابع
نقاط ضعف	<ul style="list-style-type: none"> - دخالت نهادها و سازمان های متعدد دولتی - عدم شفافیت کامل قوانین و مقررات - کمبود پرسنل متخصص و متعهد 	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش سریع کمی و کیفی خواسته ها و نیازهای جمعیت
فرصت ها	<ul style="list-style-type: none"> - ترویج رشد اقتصادی - فرصت تجاری - حمایت از کسب و کارهای کوچک - توانمندسازی اقتصادی - مصرف پایدار - بهره وری - کاهش هزینه ها - نظام فناوری توانمند در ارائه راه حل های جدید 	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش مصرف انرژی - افزایش راندمان و کارایی منابع مصرفی
تهدیدها	<ul style="list-style-type: none"> - تغییرات اجتناب ناپذیر - تغییر الگوهای رفتار - نوآوری مخرب - نابرابری با ایجاد فاصله بین جوامع توسعه یافته و در حال توسعه - ایجاد بازارهای غیرقانونی - اعتماد 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم آشنایی شهروندان با مبادلات مبتنی بر اشتراک گذاری - تغییر آب و هوا در صورت عدم مدیریت هوشمند پسماندهای به جامانده از فعالیت های اقتصاد مشارکتی

5- تحلیل سوات از جنبه اقتصادی

همان طور که در بخش مقدمه گفته شد، امروزه مدل های به اشتراک گذاری بسیار متنوع و در حال تجدید حیات هستند؛ به ویژه توسعه فن آوری های دیجیتالی در سیستم های نظیر به نظیر موجب ایجاد نوآوری های دیجیتالی شده است (Hawlitschek, 2016). این مدل های جدید به دلیل کاهش شدید هزینه ها در حال توسعه هستند.



اقتصاد مشارکتی باعث تغییر عادت مصرفی شده است به گونه‌ای که از دارایی‌های بلااستفاده، بهتر استفاده شده و مصرف پایدارتر کالاها را فراهم کرده است. مثلاً ایربی‌ان‌بی، این امکان را به افراد می‌دهد که اقامتگاه‌های مناسب را اجاره کنند به جای آنکه مالک آن شوند. یا کسانی که صاحب‌خانه هستند و درزمینه‌ی املاک سرمایه‌گذاری کرده‌اند می‌توانند لیست اقامتگاه‌های مسکونی خود را در وبسایت این شرکت ثبت کرده و آن را برای کوتاه-مدت اجاره دهند.

هم‌چنین اشتراک‌گذاری با ایجاد فرصت‌های تجاری (Martin, 2016)، باعث توانمندسازی اقتصاد شده است. ایربی‌ان‌بی می‌تواند از طریق افزایش سفرها و مدت اقامت توریست‌ها تأثیر مثبتی روی اقتصاد شهرها داشته باشد. ایجاد فرصت‌های شغلی جدید باعث توانمندسازی فردی و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک شده است. به‌عنوان نمونه بسیاری از رانندگانی که برای اوبر کار می‌کنند لزوماً یک مسافرکش تمام‌وقت نیستند. بسیاری از آن‌ها در کنار کارهای دیگر خود، بخشی از وقتشان را هم به جابه‌جا کردن مسافر اختصاص می‌دهند.

انتظار می‌رود درآمد حاصل از به اشتراک‌گذاری باعث ترویج رشد اقتصادی و بهره‌وری شده و درآمد جهانی را نیز افزایش دهد. برآوردها نشان می‌دهد کسب‌وکارهای مربوط به اقتصاد مشارکتی 15 میلیارد دلار درآمد در سال 2014 خلق کرده است. این خلق درآمد تا سال 2025 به 300 میلیارد دلار خواهد رسید (Pwc.com, 2015). هم‌چنین اقتصاد مشارکتی باعث تمرکززدایی اقتصاد نیز شده است. تمرکززدایی عبارت است از انتقال یا واگذاری قدرت و اختیارات برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری یا مدیریت از دولت مرکزی به سازمان‌های میدانی، واحدهای تابعه دولت، مقامات محلی یا سازمان‌های غیردولتی مانند انتقال حمل مسافر از بخش تاکسیرانی به اسنپ.

اقتصاد مشارکتی نظام فناوری توانمند در ارائه راه‌حل‌های جدید است. تأثیر ابتکارات اشتراک‌گذاری در اقتصاد موجب اشتراک‌گذاری خودرو نیز شده است که از یک‌سو باعث ارتقای خدمات عمومی مانند حمل‌ونقل می‌شود (در اسنپ بدون در نظر گرفتن اینکه در چه مکانی قرار داریم خدمات به‌صورت 24 ساعته در دسترس است)، از سوی دیگر کاهش هزینه‌های دسترسی به محصولات و خدمات را در پی دارد (در ایربی‌ان‌بی مسافران و گردشگران یک طیف بسیار گسترده از قیمت‌ها را در اختیاردارند و در مقایسه با پولی که می‌پردازند از امکانات بسیار خوبی برخوردار می‌شوند).



با وجود همه‌ی این مزایا، اقتصاد مشارکتی با چالش‌های مختلف نیز روبه‌رو است. در یک اقتصاد مشارکتی، اطلاعات و دانش به اشتراک گذاشته‌شده، باز و قابل دسترسی است. به علت کمبود پرسنل متخصص و متعهد از اطلاعات نمی‌توان استفاده‌ی بهینه کرد (مثلاً واحدهای کاری در اسنپ عبارت‌اند از تیم تکنولوژی، توسعه‌دهنده ارشد اندروید، مدیر پروژه، کارشناس ارشد تضمین کیفیت نرم‌افزار، پژوهشگر تجربه کاری، مدیر عملیات و غیره. این واحدهای کاری نیازمند افراد متخصص است.)، بنابراین نهادها و سازمان‌های متعدد دولتی می‌توانند در جریان کار دخالت کرده و با ایجاد فاصله بین جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه منجر به نابرابری شوند.

حتی در برخی مواقع عدم شفافیت کامل قوانین و مقررات باعث ایجاد بازارهای غیرقانونی و تغییر الگوهای رفتاری شده است که خود نوعی نوآوری مخرب محسوب می‌شود. مثلاً اقتصاد مشارکتی با تغییر ساختار کسب‌وکارهای قبلی باعث نابودی و یا حذف واسطه‌ها می‌شود. در مورد اسنپ و تپ سی می‌توان گفت که آژانس‌های مسافرتی و سازمان تاکسی‌رانی به دنبال مقابله با آن‌ها هستند.

اقتصاد مشارکتی همچنین باعث تغییرات اجتناب‌ناپذیر شده است. مثلاً اوپر با ایجاد فضای رقابتی، اتحادیه تاکسی‌داران و برخی مقامات شهری را به شدت آشفته کرده است. زیرا به‌عنوان یک رقیب انحصار رانندگان تاکسی را شکسته و مجبور شده آن‌ها هم در نوع سرویس‌دهی و هم در قیمت‌های خود تجدیدنظر کنند.

2-5 تحلیل سوات از جنبه‌ی زیست‌محیطی

اقتصاد مشارکتی از طریق یک سیستم کارآمد و منصفانه در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی منابع را توزیع و باز توزیع می‌کند. کالاها و خدمات درون یک اقتصاد مشارکتی به‌جای اینکه طراحی شده باشند تا کهنه و بلامصرف شوند، برای پایداری طراحی شده‌اند تا نه تنها استفاده مجدد از منابع را ترویج کنند بلکه اثر مثبتی هم روی سیاره‌ی زمین داشته باشند.

ترویج به اشتراک‌گذاری امکانات شخصی از طریق بسترسازی مناسب باعث کاهش آلودگی هوا و تولید گازهای گلخانه‌ای، کاهش مصرف انرژی، افزایش راندمان و کارایی منابع مصرفی، ایجاد محیط‌زیست پایدار شده است. مدل کسب‌وکاری که اسنپ ایجاد کرده است این اجازه را می‌دهد که بهره‌وری رانندگان بالا رود به این معنا که برای یک راننده مسیر برگشت به محل ثابت حذف شده است. راننده می‌تواند بعد از رساندن مسافر به مقصد، بلا-



فاصله از همان منطقه یک مسافر دیگر سوار کند. بنابراین تعداد سفرهای یک راننده بدون اتلاف وقت چندین برابر می‌شود، به همین دلیل نرخ کرایه مسافران نیز کمتر شده است. در حالی که درآمد راننده افزایش می‌یابد.

افزایش سریع کمی و کیفی خواسته‌ها و نیازهای جمعیت، رشد تکنولوژی و استقبال مردم از روش‌های نوین ارائه خدمات در بستر اپلیکیشن‌های موبایلی و در فضای سایبری، امری اجتناب‌ناپذیر است و باید سازوکارهای لازم برای فعالیت قانونمند و تحت نظارت مراجع ذی‌ربط را برای این افراد و یا شرکت‌ها فراهم کرد تا این خواسته‌ها و نیازها اثرات مخرب کمتر بر روی محیط‌زیست داشته باشند.

در صورت عدم آشنایی شهروندان با مبادلات مبتنی بر اشتراک‌گذاری، تغییر در آب‌وهوا بر اثر وجود آلاینده‌ها رخ می‌دهد که ناشی از عدم مدیریت هوشمند پسماندهای به‌جامانده از فعالیت‌های اقتصاد مشارکتی است. مثلاً اگر تاکسی‌ها زیرمجموعه اپلیکیشن‌ها نشوند، تقویت نخواهند شد. چون درآمد کمتر و مصرف سوخت بیشتر می‌شود. از سوی دیگر، موجبات آسایش مردم فراهم خواهد شد. این نحوه خدمات‌دهی به دلیل افزایش مصرف انرژی و به تبع آن آلاینده‌ها به‌طور قطع باعث افزایش آلودگی هوا می‌شود.

هدف از این تحلیل غلبه بر ضعف‌های اقتصاد مشارکتی به منظور استفاده از فرصت‌ها و شناسایی روش‌هایی است که با استفاده از آن خطرپذیری این نوع مبادلات در مقابل تهدیدها کاهش یابد و همچنین تدوین یک نوع استراتژی دفاعی با استفاده از فرصت‌ها و توانایی‌ها می‌باشد که مانع از آسیب دیدن اقتصاد مشارکتی باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اقتصاد مشارکتی یک مدل مبتنی بر فن‌آوری‌های شبکه‌ای است که کالاها و خدمات و همچنین مهارت‌ها را به اشتراک می‌گذارد. به پشتوانه‌ی تحلیل سوات انجام شده می‌توان گفت که اقتصاد مشارکتی شکلی از سرمایه‌گذاری است که ایده‌های نوین تجاری را به ارمغان آورده است. این ایده‌ها باعث استفاده مجدد با هدف‌های زیست محیطی شده است. چرا که مالکیت مشترک به سود جامعه بوده و در عین حال که برای محیط‌زیست مناسب است، باعث رشد اقتصادی می‌شود. از سوی دیگر با بکارگیری راهکارهای مدیریت پایدار در سیستم‌های اقتصاد اشتراکی می‌توان توسعه‌ی هرچه بیشتر این سیستم‌ها کمک کرد. در راستای این هدف، به منظور کمی‌سازی نتایج این تحقیق، توصیه می‌شود تا مطالعه‌ی کمی روی سوالات مطرح شده نیز صورت گیرد.



مراجع

- [1] پرهیزکار، اکبر و فیروز بخت (2011). چشم‌انداز مدیریت شهری در ایران با تأکید بر توسعه پایدار شهری. *جغرافیایی سرزمین*, 67-43, 8.
- [2] عرب مازار، و همکاران (2010). بررسی منحنی زیست‌محیطی کوزنتس باملاحظه پسماندهای جامد شهر تهران. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*, 10-1.
- [3] مبارک، محمدلو و نویده (2010). بررسی اثر آزادسازی تجاری بر انتشار گازهای گلخانه‌ای: فرضیه‌های پناهگاه‌های آلودگی و منحنی زیست محیطی کوزنتس. (فصلنامه برنامه ریزی و بودجه), 58-31.
- [4] مزینی، مراد حاصل و نیلوفر (2016). بررسی اثر بهره‌گیری از قابلیت‌های فضای مجازی در تحقق توسعه پایدار شهری ایران رویکرد استانی. (فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست), 21-1.
- [5] ملکیان، م. ایزدی، م. س. محمد سعید، سبحان اردکانی و سهیل (2016). اهمیت فضاهای همگانی شهری در توسعه پایدار گردشگری شهری (مطالعه موردی: منطقه یک شهر همدان) *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*, 18, 237-255.
- [1] Demailly, D, & Novel, A. S. (2014). The sharing economy: make it sustainable. *Studies* 3, 14.1
- [2] Grinevich, V, Huber, F, Karataş-Özkan, M, & Yavuz, Ç. (2017). Green entrepreneurship in the sharing economy: utilising multiplicity of institutional logics. *Small Business Economics*, 1-18.
- [3] Hawlitschek, F, Teubner, T, & Gimpel, H. (2016, January). Understanding the Sharing Economy-Drivers and Impediments for Participation in Peer-to-Peer Rental. In *System Sciences (HICSS), 2016 49th Hawaii International Conference on* (pp. 4782-4791). IEEE.
- [4] Iwata, H, Okada, K. & Samreth, S. (2010). Empirical study on the environmental Kuznets curve for CO2 in France: The role of nuclear energy. *Energy Policy*. 38, 6.
- [5] Martin, C. J. (2016). The sharing economy: A pathway to sustainability or a nightmarish form of neoliberal capitalism?. *Ecological Economics*, 121, 149-159.
- [6] Papyrakis, E. & R. Gerlagh. (2004). The Resource Curse Hypothesis and Its Transmission Channels. *Journal of Comparative Economics*. 32:181-193.
- [7] Pwc.com (2015). The Sharing Economy, Online: <http://www.pwc.com/us/en/technology/publications/assets/pwc-consumer-intelligence-series-the-sharing-economy.pdf>
- [8] Tłuczak, A, & Kauf, S. (2017, September). COLLABORATIVE ECONOMY AS AN INDICATION OF SUSTAINABLE CONSUMPTION IN RESULTS OF EXAMINED PEOPLE. In *CBU International Conference Proceedings* (Vol. 5, pp. 476-479).